

مراحل تربیت عبادی معنوی با تأکید بر نماز و روزه

مهدی شکرالهی*

چکیده

بی‌شک هر سنی دارای ویژگی‌ها و اقتضائاتی است. نتیجه‌بخش بودن فرایند تربیت و آموزش در صورتی است که براساس مراحل رشد، تحول روانی و ویژگی‌های هر دوره، اقدام به برنامه‌ریزی نمود. مهم‌ترین عامل عدم موفقیت والدین در تربیت عبادی، اطلاع نداشتن از ویژگی‌ها، مراحل و شیوه آموزش وظایف و تکالیف عبادی است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در پی آن است تا با استناد به روایات تربیتی و منابع دینی، مهم‌ترین مراحل تربیت عبادی را ترسیم نماید. حاصل تحقیق بیانگر این است که در بین فروع دین، نماز و روزه بیش از دیگر اعمال عبادی، ضرورت آموزشی به کودکان از دوران کودکی را دارند. شروع رسمی آموزش نماز از ۷ سالگی و روزه از ۹ سالگی تعیین شده است. با رشد جسمی و ذهنی کودک، به تدریج زمینه تعلیم احکام و شرایط عبادات و همچنین آموزش سایر واجبات و مستحبات، مهیا می‌گردد. این تحقیق به دنبال ارائه راهکار عملی برای آموزش وظایف و تکالیف عبادی است که برای آن دست‌کم شش مرحله قابل تصور است. تحقق کامل و صحیح تربیت عبادی زمانی خواهد بود که کودک به آخرین مرحله، به‌عنوان مهم‌ترین هدف این پژوهش، نایل گردد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، تربیت عبادی، مراحل تربیت، نماز، روزه و مستحبات.

مقدمه

قلبش ریشه می‌گیرد. تحقق این هدف، از جمله ادله و ضرورت پرداختن به این پژوهش می‌باشد.

با توجه به اینکه این موضوع از جمله موضوعات راهبردی و موردنیاز والدین است تا براساس یک شیوه منطقی در جهت تربیت عبادی فرزندان خود اقدام نمایند، این پژوهش به‌عنوان یک راهنمای عمل تا حد زیادی نیاز آنان را تأمین می‌نماید. از این رو، با بررسی منابع روایی و سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام و دسته‌بندی روایاتی که در زمینه تربیت عبادی وارد شده است، به یک فرمول آموزشی مرحله‌ای دست پیدا می‌کنیم. با اجرای این مراحل، می‌توان پایه‌های عبادت را در وجود کودکان، نوجوانان و جوانان محکم و نهادینه نمود. با بررسی‌هایی که انجام گرفت، تحقیق کامل و جامعی در این زمینه صورت نگرفته است. با توجه به این مطلب، اهمیت و ضرورت این تحقیق که جنبه نوآوری دارد، نمایان می‌شود؛ چراکه موفقیت در تربیت عبادی، ضامن اجرای مراحل آموزشی آن است.

در نهایت، براساس روایات، آموزش نماز و روزه به کودکان، از جمله وظایفی است که بر عهده والدین می‌باشد. علاوه بر واجبات، همچنین لازم است نسبت به آموزش مستحبات نیز اقدامات مقتضی صورت گیرد.

مراحل تربیت عبادی معنوی

در جریان تربیت عبادی، باید تلاش کرد تا آموزش عبادات، به‌ویژه نماز و روزه، براساس مراحل رشد و تحول روانی متربی صورت گیرد. برای تحقق این امر، دست‌کم شش مرحله قابل تصور است. پیش از پرداختن به این مراحل، بجاست روایتی را در این زمینه نقل کنیم. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

تربیت عبادی، بعدی از تربیت دینی است که متربی را با وظایف و تکالیف عبادی آشنا کرده و او را با انگیزهٔ راسخ، متعهد و مکلف به انجام آن می‌نماید. در این زمینه، لازم است مهم‌ترین راهکار اجرایی شدن تربیت عبادی را در قالب یک فرایند، در برنامهٔ تربیتی و آموزشی خود بگنجانیم. حال سؤال اصلی این است که چه کنیم تا کودکانمان شیوهٔ تربیتی ما را بپذیرند و در روند تربیت عبادی، فردی متدین و عامل به تکالیف دینی و عبادی بشوند؟ در عین حال، لازم است بدانیم اقدامات آموزشی معصومان علیهم‌السلام در آموزش تکالیف عبادی چگونه بوده است و در این زمینه چه رهنمودهایی برای پیروان خویش داشته‌اند؟ شاید بتوان گفت: علت عدم موفقیت برخی از متولیان امور تربیتی به‌ویژه والدین در تربیت عبادی کودکان، ناآگاهی از ویژگی‌های کودک، کیفیت رشد و اقتضائات آن و همچنین آشنا نبودن مربی با شیوه‌ها و مراحل تربیت عبادی باشد. براساس روایات و بر مبنای نقش مربی، برای نهادینه کردن معارف دینی و عبادی در کودکان، مراحل وجود دارد. این مراحل، که با توجه به مراحل رشد تنظیم شده است، به‌صورت یک فرایند است؛ والدین و مربیان وقتی مسئولیت شرعی خود را انجام داده‌اند که کودک را به آخرین مرحلهٔ تربیت رهنمون سازند. به بیان دیگر، حاصل تربیت آنان فقط در حد انتقال یک مجموعه اطلاعات و مفاهیم دینی و عبادی خلاصه نشده باشد، بلکه کودک را به‌گونه‌ای تربیت کنند که هم دین‌دار و عالم به مبانی و معارف دین باشد و هم عامل و متعهد به تکالیف عبادی. حال اگر این مراحل آموزشی با برنامه‌ریزی صحیح پیش رود، یقیناً کودکی که تحت این روند تربیتی قرار می‌گیرد، کسی خواهد بود که نور ایمان در دلش نفوذ کرده و حبّ به خدا و دلبستگی به عبادت در

و تکالیف دینی است. برای تحقق این هدف، لازم است در منزل فضا‌سازی معنوی شود؛ یعنی اولاً، اعمال و تکالیف عبادی توسط پدر و مادر جدی گرفته شود و خود آنان نیز بدان متعهد باشند. ثانیاً، اعمال و افعال عبادی در حضور کودک انجام گیرد و کودک نیز نحوه انجام آنها را مشاهده نماید، تا بدین طریق، به تدریج زمینه انس و الفت نسبت به تکالیف عبادی در کودک فراهم گردد. علاوه بر این، اگر بستر حضور کودک در مجالس و محافل دینی نیز مهیا گردد، به مرور زمان حس مذهبی و عبادی در کودک ایجاد و تقویت می‌شود. در صورت تشویق، کم‌کم شوق و علاقه به یادگیری اعمال عبادی و زمینه انجام فرایض دینی در او شکل خواهد گرفت. تلاوت قرآن با صدای زیبا، گفتن اذان و اقامه قبل از نماز، برگزاری نماز به صورت جماعت در منزل، خواندن دعا و گرفتن وضو در معرض دید کودک، گفتن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» قبل از غذا و ذکر «الحمد لله» بعد از غذا و امثال این‌گونه آداب و رفتارهای عبادی معنوی، از جمله موارد فضا‌سازی عبادی معنوی است. همچنین برای تحقق این هدف، پخش صدای اذان و اقامه نماز از طریق رادیو و تلویزیون بسیار اثربخش خواهد بود. حتی در احادیث سفارش شده است که در خانه‌هایتان اذان بگویید. در این زمینه، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «در خانه خود اذان بگو تا شیطان از آنجا بگریزد و اذان گفتن مستحب است؛ زیرا کودکان به آن ذکر آشنا می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۰۸). در حقیقت، اجرای چنین برنامه‌هایی علاوه بر تأثیر روحی و معنوی، موجب انس و جذب کودک به عبادت و معنویت نیز می‌شود.

براساس برخی از روایات، وقتی کودک زبان به سخن باز می‌کند، می‌توان دوره آموزشی غیررسمی او را شروع نمود. در این دوره، ضروری است که ذکر شهادتین و

وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید هفت بار «لا اله الا الله» بگوید. سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد. در این هنگام، به او آموزش دهید که هفت بار «محمد رسول الله» بگوید و سپس تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید. در سن چهار سالگی از وی بخواهید که هفت مرتبه «اللهم صل علی محمد و آل محمد» را تکرار نماید و سپس تا پنج سالگی او را رها کنید. در این وقت، اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، [تشخیص جهت] او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید و در سن شش سالگی رکوع و سجود و دیگر اجزای نماز را به او آموزش دهید. وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویید دست و صورت خود را بشوید [کنایه از وضو است]، سپس به او بگویید نماز بخواند. آن‌گاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود. وقتی نه ساله شد، در این هنگام وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و او را به نماز وادارید و اگر تخلف نمود، می‌توانید با تنبیه او را به خواندن نماز وادار کنید. وقتی که وضو و نماز یاد گرفت، خداوند پدر و مادرش را مورد رحمت قرار می‌دهد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۴).

در این روایت، با توجه به مراحل رشد، ضمن بیان وظایف اولیا، شیوه و محتوای آموزشی در سنین مختلف، به عنوان یک برنامه اولیه آموزشی مورد توجه قرار گرفته است.

مرحله زمینه‌سازی و فضا‌سازی معنوی

این مرحله که به آن، دوره «طفولیت» و یا «کودکی اول» گویند و تا سن چهار سالگی را شامل می‌شود (شکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳)، مرحله آشنایی اولیه با بعضی از اعمال

زیرا هیچ‌یک از شرایط نماز در آن رعایت نشده است و این کار فقط جنبه‌ی تمرینی و آمادگی دارد. مرحوم فلسفی معتقد است: «ممکن است کودک الفاظ و عبارات نماز را نفهمد، ولی معنی توجه به خدا، راز و نیاز با خدا، استمداد از خدا، عرض دعا و تمنا در پیشگاه خداوند را در عالم کودکی خود درک می‌کند» (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۸۶). بردن کودک به مسجد و مراسم عبادی معنوی، و استفاده از تصاویر و کتاب‌های آموزشی که در آنها مناسک عبادی به تصویر کشیده شده است و یا نرم‌افزارهایی که برای این هدف تهیه گردیده‌اند، از جمله اقدامات آموزشی این دوره به‌شمار می‌روند.

مرحله آموزش و تمرین

هنگامی که کودک هفت ساله شد، کم‌کم آموزش و تمرین اعمال عبادی به‌صورت جدی و رسمی شروع می‌شود. به این مرحله، که مقارن با ورود کودک به مدرسه می‌باشد، «کودکی سوم» (شکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳) می‌گویند که از سن هفت تا دوازده سالگی را شامل می‌شود. این دوره، در نظام آموزش و پرورش به دوره «ابتدایی» معروف است. کودک در هر زمانی، به‌ویژه در این دوره، حس «تقلیدپذیری» قوی دارد. همچنین از جمله خصوصیات مهم کودک در این مرحله «عادت‌پذیری» است. بر این اساس، امکان ایجاد عادت‌های مطلوب در کودک وجود دارد. برای تحقق این هدف، آموزش، تمرین و تکرار از طریق تشویق و ترغیب از مهم‌ترین شیوه‌های آموزشی و تربیتی می‌باشد؛ زیرا تمرین و تکرار اعمال دینی و عبادی، سبب نفوذ و تأثیر آن در شخصیت معنوی و ماندگاری و ملکه شدن آن عمل در روح و روان کودک خواهد شد. علاوه بر این، «اگر (اعمال عبادی) در کودکی در نفس انسان استقرار یابد، نوعی مصونیت و پیشگیری از

صلوات را به کودک آموزش داد و به او تلقین نمود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۴). همچنین پیامبر ﷺ در روایتی می‌فرماید: «هرگاه کودکانان زبان گشودند "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" را به آنان بیاموزید» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۴۴۱). نیز می‌فرماید: «زبان کودکانان را با کلمه "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" باز کنید» (همان). تقریباً کودک از دو سه سالگی سخن گفتن را آغاز می‌کند. از این روایات می‌فهمیم که پیام‌های آموزشی این دوره، باید کوتاه و متناسب با ظرفیت ذهنی کودک باشد. به این ترتیب، در این مرحله باید تمهیدات و زمینه‌های لازم را برای شکوفایی حس مذهبی در کودک ایجاد نمود. از این رو، نباید به بهانه کوچک بودن کودک، این مرحله را به راحتی از دست داد.

مرحله مشاهده و تقلیدپذیری

به این دوره، که تقریباً سنین چهار تا هفت سالگی را شامل می‌شود، دوره «کودکی دوم» (شکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳)، یا دوره «پیش‌دبستانی» می‌گویند. در این مرحله، با توجه به فطرت پاک، کودک گرایش عاطفی زیادی نسبت به یادگیری و انجام اعمال عبادی دارد و بسیاری از آداب و رفتارهای عبادی را از طریق مشاهده و تقلید می‌آموزد. در این زمینه، پدر و مادر بهترین الگو برای تقلیدپذیری کودک هستند. از این رو، با توجه به این ویژگی، لازم است تمهیدات و موقعیت‌های لازم را برای مشاهده و تقلید اعمال و رفتارهای عبادی برای کودک فراهم نمود. بر اثر این اقدام، کم‌کم زمینه انس بیشتر و گرایش به یادگیری اعمال و تکالیف عبادی، به‌ویژه نماز، در وجود کودک تقویت می‌شود. البته به اعتقاد یکی از صاحب‌نظران، «از کودک نمازی را می‌خواهند که در آن رکوع و سجود باشد. به عبارت دیگر، نماز کودک در این مرحله تنها صورتی از نماز است، نه نماز کامل» (داوودی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵)؛

آموزش نماز باید قبل از هشت سالگی به پایان برسد. در نتیجه، با توجه به این دو دسته از روایات، مناسب‌ترین زمان برای شروع آموزش نماز به کودکان، سن شش - هفت سالگی است؛ زیرا کودک از حدود هفت سالگی می‌تواند مطالبی را خوب بفهمد، ولی قبل از این سن، اغلب اعمال او جنبه تقلیدی دارد و صرفاً برای آشنا شدن کودک با اجزا، اذکار و مقدمات نماز می‌باشد. این مسئله هم نسبت به دختران که زودتر به سن تکلیف می‌رسند و هم نسبت به پسران، هر دو صادق است. با این توصیف، باید به تدریج کودکان را از سن هفت سالگی به‌طور رسمی با نماز آشنا کرد و آنان را به یادگیری نماز تشویق و ترغیب نمود. البته هرچند براساس تعدادی از روایات، آموزش دقیق و تکمیلی نماز در نه سالگی است، اما برای تحقق این امر لازم است پیش از این زمان، برخی از مقدمات و زمینه‌های لازم برای فراگیری نماز فراهم گردد. پس از آموزش نماز، مرحله دوم، یعنی تمرین نماز از طریق امر و واداشتن کودک به خواندن نماز است. در این زمینه، روایات بسیاری از معصومان علیهم‌السلام نقل شده است که فرموده‌اند فرزندان خود را به نماز امر کنید؛ ولی اینکه مشخصاً از چه زمانی و به چه ملاکی، در روایات اختلاف نظر وجود دارد و در آنها سنین مختلفی آمده است. برای نمونه، در برخی از روایات ملاک امر به نماز، رسیدن کودک به حد «درک عقلی» و یا «تشخیص دست راست از چپ» (ابوداود، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۳۴) بیان شده است. چنان‌که در روایتی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «کودک وقتی اهل درک شد، به نماز امر می‌شود» (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۵۱). همان‌گونه که بیان گردید، این ویژگی از سن شش سالگی در کودک متبلور می‌شود. شاهد بر این مطلب، روایتی است که محمدبن مسلم نقل می‌کند. وی می‌گوید: از امام باقر یا صادق علیه‌السلام

آسیب‌های روانی به شخص می‌بخشد» (بهرامی، ۱۳۸۵، ص ۵۱). البته با توجه به سن کم و تفاوت‌های فردی، نباید در آموزش و تمرین‌دهی کودک زیاده‌روی نمود. اگر در این مرحله، عادت انجام اعمال و تکالیف عبادی در کودکان به وجود آید، امکان عمق بخشیدن به معارف دینی و آموزش تکمیلی برنامه‌های عبادی، در مراحل بعدی مهیا خواهد شد.

بنابراین، با بهره‌گیری از اقدامات تربیتی و آموزشی مرحله قبل، می‌توان صورت کامل نماز را به کودک آموزش داد. روایاتی که در باب نماز کودکان وارد شده است، مشتمل بر سه مرحله کلی «آموزش، امر و بازخواست» می‌باشد. در منابع دینی ما، در زمینه آموزش نماز، دو دسته روایات وجود دارد. در تعدادی از روایات، داشتن «قوه تمییز» و یا رسیدن به «درک عقلی»، به‌عنوان ملاک و زمان برای آموزش نماز بیان شده است. برای نمونه، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «هرگاه کودک به حد رشد عقلی برسد و مقداری از قرآن را بخواند، باید به او نماز آموخته شود» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۹۳). ظاهراً مراد از رشد عقل، رسیدن به حد تمییز است که تقریباً در حدود سن شش سالگی در کودک شکل می‌گیرد (قائمی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۰). به همین علت، به او کودک «ممیز» می‌گویند. اما اکثر روایات، رسیدن به سن «هفت سالگی» را ملاک آموزش نماز به کودک دانسته‌اند. در این زمینه، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «به فرزندان در هفت سالگی نماز را تعلیم دهید» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۴۴۱). البته در برخی از روایات، ملاک بازخواست و مؤاخذه نسبت به نماز، رسیدن کودک به سن هشت سالگی بیان شده است و از زمان آموزش نماز مطلبی گفته نشده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۵، ص ۱۳۱)، اما از این روایات نیز این مطلب به دست می‌آید که

هفت ساله شدند، به نماز و روزه به اندازه‌ای که توان داشته باشند، وامی داریم» (همان، ج ۸۵، ص ۱۳۴). در این روایت، هرچند امام علیه السلام فقط می‌فرماید ما اهل بیت این کار می‌کنیم، ولی به دلالت التزامی و با توجه به اکثر روایاتی که در این زمینه وارد شده، می‌فهمیم که ما نیز باید در سن هفت سالگی کودکانمان را به نماز واداریم. چنان‌که در برخی از روایات، امامان بزرگوار علیهم السلام با درک شرایط و روحیات کودکان، فرزندان خویش را از سن پنج سالگی به نماز وامی‌داشتند، اما به پیروان خود سفارش می‌کردند که کودکان خود را از سن هفت سالگی به نماز تشویق کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۹). البته در روایتی «افتادن دندان شیری» کودک به‌عنوان زمان امر کردن او به نماز معرفی شده است. چنان‌که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید: «هرگاه دندان (شیری) آنان (کودکان) افتاد، آنان را به نماز امر کنید» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۴۴۰). معمولاً دندان شیری کم‌کم از سن هفت سالگی شروع به افتادن می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۶۹). در نتیجه، با توجه به کثرت این طایفه از روایات، بهترین زمان برای امر کردن کودک به نماز، همان سن هفت سالگی است.

اما در تعدادی از روایات زمان امر به نماز، رسیدن کودک به سن «هشت سالگی» بیان شده است. مثلاً، حسن بن قارون می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم (یا کس دیگری پرسید و من شنیدم): مردی فرزند خود را به نماز خواندن مجبور می‌کند؛ چون یکی دو روز است که نماز نمی‌خواند. امام علیه السلام فرمود: فرزندش چند سال دارد؟ عرض کردم: هشت سال. امام فرمود: سبحان الله! نماز را ترک می‌کند؟! عرض کردم: اگر نماز بخواند احساس ناراحتی می‌کند. امام فرمود: به هر صورتی که می‌تواند نمازش را بخواند و آن را ترک نکند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق،

پرسیدم: «چه زمانی کودک باید نماز بخواند؟ امام علیه السلام فرمود: زمانی که نماز را درک کند. گفتم: چه زمانی نماز را می‌فهمد و بر او واجب می‌شود؟ فرمود: در شش سالگی (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۹). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کودک از سن شش سالگی به درک عقلی (سن تمییز) می‌رسد و در این زمان مفهوم نماز را به خوبی درک می‌کند و می‌داند که نماز چیست. هرچند در این روایت، لفظ «وجوب» آمده، اما بر طبق حدیث رفع قلم (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۹۴)، در این سن از کودکان رفع وجوب شده است و از این رو، وجوب حمل بر مستحب مؤکد می‌شود.

به هر حال، با دقت در این روایات ملاحظه می‌شود این ملاک با ملاک مرحله آموزش، یعنی داشتن «قوه تمییز» (سن شش سالگی)، کاملاً مطابقت دارد. از این رو، چون آموزش مقدمه امر کردن است، در نتیجه، بعد از آنکه کودک نماز را یاد گرفت، باید او را در همان سن شش سالگی امر به نماز نمود. چنان‌که در برخی از روایات صریحاً سن شش سالگی مطرح شده است. در این زمینه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی فرزندان شش ساله شدند، امر کنید نماز بخوانند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹). همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی کودک شش ساله شد، باید نماز بخواند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۹).

دومین ملاک از نظر سن برای امر کردن کودک به نماز، رسیدن به سن «هفت سالگی» است. در روایات متعددی روی این زمان تأکید شده است. برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فرزندان خود را از هفت سالگی به نماز امر کنید» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹). شبیه همین روایت، از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۸۸). همچنین امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «ما کودکان خود را وقتی

ج ۴، ص ۲۰). در این حدیث، می‌بینیم امام علیه السلام از اینکه نماز کودک هشت ساله ترک می‌شود، تعجب می‌کند. این حالت ایشان بیانگر این واقعیت است که باید قبل از هشت سالگی کودک را به نماز آموزش و عادت داد. همچنین در تعدادی از احادیث، زمان امر کردن کودک به نماز ۹ سالگی بیان شده است. برای نمونه، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «در نه سالگی باید به نماز امر شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۶۹). یا در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله سن ۱۰ سالگی را ملاک امر می‌داند و می‌فرماید: «وقتی فرزندان ده ساله شدند، امر کنید نماز بخوانند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹).

در این حدیث، می‌بینیم امام علیه السلام از اینکه نماز کودک هشت ساله ترک می‌شود، تعجب می‌کند. این حالت ایشان بیانگر این واقعیت است که باید قبل از هشت سالگی کودک را به نماز آموزش و عادت داد. همچنین در تعدادی از احادیث، زمان امر کردن کودک به نماز ۹ سالگی بیان شده است. برای نمونه، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «در نه سالگی باید به نماز امر شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۶۹). یا در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله سن ۱۰ سالگی را ملاک امر می‌داند و می‌فرماید: «وقتی فرزندان ده ساله شدند، امر کنید نماز بخوانند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹).

در مجموع، روایاتی که زمان امر به نماز را بعد از ۹ سالگی بیان کرده‌اند، ظاهراً به پسران توجه دارند. ولی نسبت به دختران که با اتمام ۹ سالگی به تکلیف می‌رسند، ضروری است که قبل از این سن، اقدامات آموزشی صورت گیرد. از این رو، از این روایات می‌توان نتیجه گرفت که والدین وظیفه دارند قبل از بلوغ، فرزندان خود را ضمن آموزش، آنان را به خواندن نماز امر کنند.

آموزش، تمرین و امر کودکان به روزه نیز از جمله وظایف آموزشی و تربیتی والدین است. در روایات، دو ملاک (توان جسمی و سن ۹ سالگی) برای آموزش و امر کودک به روزه‌داری بیان شده است. در تعدادی از این روایات بدون اینکه سن مخصوصی ذکر شود، به‌طور کلی، داشتن «توان و طاقت» جسمی کودک را زمان امر به روزه معین شده است. برای نمونه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «کودک زمانی به روزه امر می‌شود که توان آن را داشته باشد» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۹۳).

همچنین در روایتی، محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدند: کودک چه زمانی روزه می‌گیرد؟ امام در جواب فرمودند: «هرگاه توان روزه داشته باشد»

حکم و وجوب آمده است. اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «هرگاه کودک توان بر روزه‌داری پیدا کرد، روزه بر او واجب می‌شود» (همان). البته، با توجه به اینکه بلوغ شرط وجوب روزه است (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۷۸). در نتیجه، می‌توان وجوب را حمل بر استحباب نمود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این روایات بدون آنکه سن کودک مشخص شود، زمان روزه‌داری بر استطاعت جسمی منوط شده است.

برای تمرین و امر کودک به روزه، لازم است به صورت تدریج و با رفق و مدارا برخورد کنیم. در این زمینه، بهترین درس آموزشی و تربیتی را می‌توان از اهل بیت علیهم السلام گرفت. در روایتی آمده است: امام صادق علیه السلام نسبت به تشویق و ترغیب کودکان برای روزه‌داری در ماه رمضان، در سحرگاهان کودکان خویش را بیدار می‌کرد و در روز به بچه‌ها امر می‌کرد که روزه بگیرند. اما وقتی در طول روز مشاهده می‌کرد که گرسنگی یا تشنگی بر کودکی غلبه کرده است به او امر می‌کرد که روزه را افطار کند (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۹۴). از این شیوه امام علیه السلام این مطلب برداشت می‌شود که باید کودکان در خردسالی و قبل از سن تکلیف به تدریج با روزه‌داری آشنا شوند تا زمینه انجام کامل آن برای زمان وجوب فراهم گردد. به فرموده امام سجاد علیه السلام، به این نوع روزه که تا پیش از سن تکلیف گرفته می‌شود، «روزه آموزشی» می‌گویند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۹۱).

بر اساس اکثر روایات، زمان امر و تمرین کودک بر روزه‌داری، سن نه سالگی (به شرط توان و طاقت) بیان شده است. در این روایات آمده که بر پدر و مادر لازم است فرزندان خویش را از سن ۹ سالگی امر کنند که هر قدر طاقت دارند روزه بگیرند، ولی هرگاه تشنگی و

روز بر تحمل خود بیفزایند و مدت بیشتری را به روزه‌داری اختصاص بدهند؛ چراکه هر قدر توانایی کودک در تحمل گرسنگی و تشنگی بیشتر شود، وی مدت بیشتری را می‌تواند روزه بگیرد و بدان عادت کند. یقیناً این شیوه بعد از مدتی اثر خود را خواهد گذاشت و کودک با توجه به توانایی که به دست آورده است، کم‌کم با تقویت اراده می‌تواند روزه کامل را بگیرد. زود خوابیدن، بیدار کردن کودکان برای خوردن سحری و تشویق آنان به گرفتن روزه تا هر زمانی که توان آن را دارند و در عین حال اهدای جوایز و دادن وعده‌های مادی، از جمله راه‌کارهای تشویقی کودکان برای روزه‌داری است.

در نتیجه، ضروری است آموزش نماز تا ۷ سالگی و روزه تا ۹ سالگی به اتمام برسد. تکمیل این اقدام آموزشی تا زمان بلوغ ادامه دارد. البته نسبت به دخترها که با اتمام ۹ سالگی به سن تکلیف می‌رسند، ضروری است کمی بیش از این زمان اقدام گردد.

علاوه بر آموزش واجبات، لازم است نسبت به تعلیم و تمرین بر «مستحبات» نیز اقدامات مقتضی صورت گیرد تا علاوه بر صفابخشی به روح و روان کودکان، آنان در برابر هرگونه نفوذ شیطان، در حصار معنوی قرار گیرند. در این مرحله با رشد جسمی و ذهنی کودک، آموزش مستحبات، نظیر: قرائت قرآن، آشناسازی با اذکار مستحبی، دعاهای کوتاه، اذان، اقامه، تعقیبات نماز و نماز جمعه و جماعت و مانند اینها بسیار ضروری است. این اقدام آموزشی جزو برنامه‌های آموزشی و تربیتی معصومان علیهم‌السلام می‌باشد. آنان در فرصت‌های گوناگون فرزندان خویش را به یادگیری و خواندن دعا تشویق و ترغیب می‌کردند. در روایتی، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هرگاه مسئله‌ای پدرم را محزون می‌کرد، ایشان زنان و فرزندان را جمع می‌کرد. آن‌گاه خود دعا می‌کردند و آنها

گرسنگی بر آنان غلبه کرد، افطار کنند. هر چند معصومان علیهم‌السلام به فرزندان خویش از سن هفت سالگی امر به روزه‌داری می‌کردند، ولی به شیعیان سفارش می‌کردند که فرزندان خود را در نه سالگی امر به روزه‌داری نمایند. برای نمونه، امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

ما در هفت سالگی امر می‌کنیم به اندازه توانایی‌شان نصف روز و یا بیشتر و یا کمتر روزه بگیرند و دستور می‌دهیم هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد، افطار کنند. این عمل برای آن است که به روزه گرفتن عادت کنند. پس شما کودکان خود را در نه سالگی به اندازه توانایی‌شان امر به روزه گرفتن کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب گردید، افطار کنند (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۸۰).

همچنین امام رضا علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «هنگامی که کودک نه ساله شد بر روزه مؤاخذه می‌شود، تا به اندازه‌ای که توان آن را دارد، روزه بگیرد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۹۴). بنابراین، معصومان علیهم‌السلام، معیار برای آموزش و تمرین کودک بر روزه‌داری، علاوه بر رسیدن به سن ۹ سالگی، توان و طاقت کودک را نیز مورد توجه قرار داده‌اند؛ زیرا با توجه به اصل «تفاوت‌های فردی» ممکن است کودکی ۹ سال و یا بیشتر داشته باشد، اما به قدری ضعیف باشد که حتی نتواند نصف روز را هم روزه بگیرد.

برای عادت دادن کودک به روزه‌داری، باید با سهل‌گیری، فرایند چند ساله را طی کرد. مثلاً، کودکان را برای مراسم سحری بیدار کنیم و با تشویق، آنان را متقاعد کنیم در طول روز هر مقداری که طاقت دارند از خوردن و آشامیدن اجتناب ورزند و هرگاه گرسنگی یا تشنگی بر آنان غلبه کرد روزه را افطار کنند، یا از آنها بخواهیم برخی از روزها را تا ظهر و برخی از روزها را از ظهر تا اذان مغرب، چیزی نخورند. به هر حال، از آنان بخواهیم هر

مقداری که دیه واجب نشود، گاهی توصیه به تنبیه (از زبانی تا عملی) نموده‌اند. البته مؤاخذه و تنبیه شرایط و مراحل دارد و نمی‌توان به محض سستی یا ترک عمل عبادی، کودک را تنبیه بدنی نمود، بلکه ابتدا باید علاوه بر تشویق بر انجام، موانع سستی و یا ترک عبادت را نیز برطرف کرد و در مرحله بعد، با اخم، تهدید، محرومیت از محبت و امکانات، به قهر کوتاه‌مدت با او اقدام نمود و در نهایت، اگر این‌گونه اقدامات فایده‌ای نداشت و تنها راه برای نمازخوان کردن و یا روزه‌داری کودک منحصر در تنبیه شد، در این صورت، می‌توان به تنبیه او، البته با شرایط خاص مبادرت کرد. در این زمینه، مرحوم آیت‌الله گلپایگانی رحمته‌الله علیه می‌فرماید: «زدن زن یا طفل جایز نیست مگر موارد مخصوصه که شرعاً اجازه داده شده، مثل موردی که امر به معروف یا نهی از منکر موقوف به آن باشد... تأدیب یا تمرین طفل به نماز در ده سالگی و امثال آنها و در موردی که شرعاً اجازه داده شده، نباید طوری بزند که موجب دیه شود. مثلاً، رنگ پوست بدن سرخ شود» (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۶۶). در واقع، در تنبیه کودک باید سه شرط را رعایت کرد: «اولاً، تشویق او به نماز خواندن از راه‌های دیگر ممکن نباشد؛ ثانیاً، خیلی مختصر و در حد یک هشدار باشد، نه به صورت خشونت، مبادا موجب عقده گردد و ثالثاً، نباید به گونه‌ای باشد که شرعاً موجب پرداخت دیه گردد؛ مانند اینکه بدنش سیاه، سرخ و یا زرد شود» (امینی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۳).

به‌طور کلی، در روایات، زمان مؤاخذه نسبت به نماز، بین هفت تا ده سالگی و نسبت به روزه، ۹ سالگی به شرط توان و طاقت کودک آمده است. اما همان‌گونه که بیان شد، از جمله ملاک‌های آموزش و امر کودک به نماز، رسیدن به سن هفت سالگی است. همین ملاک در اکثر روایات برای مؤاخذه و تنبیه کودک نیز بیان شده است. در

آمین می‌گفتند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۷). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، امام رحمته‌الله علیه فرزندان خویش را «از طریق دعا، به یاد خداوند متوجه می‌ساخت و غیرمستقیم به آنها می‌آموخت که باید در امور گوناگون زندگی به خداوند توکل کرد و دست نیاز به سوی او دراز کرد» (ساجدی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۹). در این زمینه، لقمان حکیم نیز به فرزندش چنین توصیه می‌کند: «پسر! خداوند را بسیار یاد کن؛ چراکه خداوند متعال یادکننده کسی است که او را یاد کند» (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). از جمله مستحبات که آموزش آن به کودکان بسیار سفارش شده، ذکر تسبیحات حضرت فاطمه زهرا رحمته‌الله علیه است. امام صادق رحمته‌الله علیه در این زمینه می‌فرماید: «ما فرزندانمان را به تسبیحات فاطمه رحمته‌الله علیه امر می‌کنیم، همان‌گونه که آنان را به خواندن نماز امر می‌کنیم، پس بر آن پایبند باش؛ زیرا هیچ بنده‌ای آن را رها نکرد، مگر آنکه گمراه و بدبخت شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۴۳).

بهتر است آموزش مستحبات و اعمال مستحبی از دوره نوجوانی شروع گردد و در دوره کودکی بیشتر به آموزش واجبات اکتفا شود. البته بهتر است از اعمال سبک و ذکرها و دعاهای کوتاه شروع نمود. همچنین باید توجه داشت که آموزش مستحبات نباید در هیچ دوره‌ای به حد افراط برسد.

مرحله الزام و بازخواست

بعد از اتمام آموزش و تمرین، برای واداشتن کودک به نماز و روزه، و یا جلوگیری از هرگونه سستی و سهل‌انگاری و احیاناً ترک عمل عبادی، در روایات مسئله مؤاخذه و بازخواست مطرح شده است. حتی با توجه به اینکه کودکان از تنبیه بدنی، بخصوص قبل از هفت سالگی منع شده‌اند، اما در صورت لزوم و برای وادار کردن آنان به انجام تکالیف عبادی، با رعایت موازین شرعی و به

نماز، از سن شش - هفت سالگی و زمان بازخواست از سن هفت تا ده سالگی می‌باشد. شاید این اختلاف در زمان بازخواست، علاوه بر تفاوت‌های فردی (پسر و دختر)، به زمان و سن شروع آموزش نماز نیز بستگی داشته باشد. از این رو، نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد که در چه سنی می‌توان آنان را به مورد بازخواست قرار داد. اما این مسئله نسبت به دختران که از پایان ۹ سالگی وارد دوره تکلیف شده‌اند، تأکید بیشتری می‌شود.

اما در مورد روزه علاوه بر ۹ سالگی، توجه به توان و طاقت کودک برای روزه‌داری از جمله نکات آموزشی و تربیتی است که هم در زمان امر و هم در زمان بازخواست و مؤاخذه باید به آن توجه داشت. در این زمینه، روایات بسیاری از معصومان علیهم‌السلام وارد شده است. در روایتی، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «کودک وقتی نه ساله شد، به اندازه‌ای که توان آن را دارد، بر روزه مؤاخذه می‌شود. اگر تا ظهر یا بعد از ظهر طاقت داشت، تا آن زمان روزه بگیرد. پس اگر گرسنگی و تشنگی بر او غلبه کرد افطار نماید» (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۲۲).

همچنین امام رضا علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «هنگامی که کودک نه ساله شد بر روزه مؤاخذه می‌شود، تا به اندازه‌ای که توان آن را دارد، بگیرد؛ اگر توانست تا ظهر یا بعد از ظهر را روزه بدارد، تا همان زمان روزه بگیرد و هرگاه تشنگی و گرسنگی بر او غلبه کرد افطار نماید، و اگر کودک توانست سه روز روزه بگیرد، می‌تواند تمام ماه را روزه بگیرد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۹۴).

نکته قابل تأمل در این روایت، این است که امام علیه‌السلام یک معیار و شاخص ارائه داده است و آن اینکه فرموده: هرگاه کودک توانایی داشته باشد که سه روز پی در پی روزه بگیرد، پس می‌تواند تمام ماه را هم روزه بگیرد. بازخواست و سخت‌گیری در مورد روزه نیز مربوط به

این حکم، تفاوتی بین پسر و دختر وجود ندارد. برای نمونه، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «وقتی فرزندان شش ساله شدند، امر کنید نماز بخوانند. وقتی هفت ساله شدند، (در صورت لزوم) می‌توانید آنها را تنبیه کنید» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹). امام رضا علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «کودک نسبت به نماز در هفت سالگی بازخواست می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۶۰). البته در روایتی، بین شش و هفت سالگی نیز به‌عنوان زمان بازخواست آمده است. در این روایت، معاویة بن وهب می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: در چه سنی کودک برای نماز بازخواست می‌شود؟ حضرت فرمود: «بین شش و هفت سالگی» (همان، ج ۴، ص ۱۸).

در تعدادی از روایات، زمان سخت‌گیری بین هشت تا ده سالگی نیز وارد شده است. مثلاً، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در روایتی می‌فرماید: «به کودکان خود نماز یاد دهید و آن‌گاه که به هشت سالگی رسیدند از آنان بازخواست کنید» (همان، ص ۲۱). و یا در روایتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «فرزندان خود را از هفت سالگی به نماز سفارش کنید و در نه سالگی (در صورت ترک نماز) آنان را تنبیه نمایید» (همان، ج ۳، ص ۱۹). شبیه همین روایت می‌فرماید: «نه سالگان را اگر ترک نماز نمودند، تأدیب کنید» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۵، ص ۱۳۴). حتی در روایتی، حضرت سن ده سالگی را زمان بازخواست کودک بیان می‌کند (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۴۴۱). همچنین می‌فرماید: «فرزندان خردسال خانواده‌ات را با زبان (مستقیم)، نماز و طهارت (وضو) بیاموز و هنگامی که به ده سالگی رسیدند آنان را (به خاطر سستی و سهل‌انگاری در نماز) بزن، اما از سه ضربه تجاوز نکند» (ابی‌فراس، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۱۵۵).

در نتیجه، با توجه به روایات زمان آموزش و امر به

دختران به علت ضعف جسمانی توانایی روزه گرفتن را ندارند؛ این مسئله چه حکمی دارد؟

در روایات، در باب گرفتن روزه علاوه بر سن ۹ سالگی، توان و طاقت مکلف نیز لحاظ شده است و از این رو، فقهای شیعه، دختر ۹ ساله‌ای را که از نظر جسمی نمی‌تواند روزه بگیرد، از گرفتن روزه معاف کرده‌اند، هرچند بعداً در موقع توانایی باید قضای آن را بگیرد. امام خمینی رحمته‌الله علیه در این زمینه می‌فرماید: «قضای روزه‌ها بر عهده اوست. هر وقت توانست بگیرد و برای تأخیر هر روز تا ماه رمضان بعد، باید یک مد طعام که تقریباً ده سیر است به فقیر بدهد، مگر آنکه در تأخیر معذور باشد و پس از آن، اگر تأخیر شد چیزی بر او نیست» (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۳۳). مرحوم آیت‌الله گلپایگانی رحمته‌الله علیه نیز می‌فرماید: «در صورتی که روزه (برای دختر نه ساله)، مشقت و حرج (داشته) باشد، افطار نماید، ولی بعداً در صورتی که متمکن شد، احتیاط لازم آن است که قضا نماید» (گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۷۰). بر طبق نظر مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، «بر پسر یا دختری که تازه بالغ شده‌اند و قدرت بر روزه گرفتن ندارند، روزه واجب نیست و کفاره هم ندارد، ولی قضا دارد» (بهجت، ۱۴۲۸، ص ۲۶۶). مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله علیه می‌فرماید: «اگر روزه موجب ضعف غیرقابل تحمل بشود و برای او مشقت و حرج داشته باشد روزه نگیرد. ولی بعداً در صورت تمکن و قدرت قضا کند» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۵۱). در رساله اجوبه الاستفتاءات آیت‌الله خامنه‌ای چنین آمده است: «بنابر نظر مشهور، بلوغ شرعی دختران همان تکمیل نه سال قمری است که در این هنگام، روزه بر آنها واجب است و ترک آن به مجرد بعضی از عذرهای جایز نیست، ولی اگر روزه گرفتن برای ایشان ضرر داشته باشد یا تحمل آن بر ایشان

زمانی است که کودک بتواند سه روز پی در پی روزه کامل را بگیرد. شیخ طوسی در *النهایه* می‌فرماید: «مستحب است کودکان زمانی که به سن ۹ سالگی رسیدند و توان روزه داشتند (در صورت کوتاهی) مورد مؤاخذه قرار گیرند، اگرچه روزه بر آنان واجب نیست (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۹). البته در برخی از روایات، زمان بازخواست از سنین چهارده، پانزده سالگی نیز آمده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۸). همچنین محدث نوری در *وسائل الشیعه* از معصوم علیه السلام روایت می‌کند: «پسر در حدود چهارده سالگی بر روزه‌داری مؤاخذه می‌شود، مگر اینکه قبل از این سن، توانایی روزه را داشته باشد» (همان، ج ۱۰، ص ۲۳۷). حتی در روایتی، زمان بازخواست تا سن شانزده سالگی نیز آمده است (همان). یقیناً این مسئله در مورد پسران صادق است، ولی در مورد دختران که با اتمام ۹ سالگی (قمری) به سن تکلیف می‌رسند، زمان بازخواست آنان همان ۹ سالگی است.

از مجموع روایاتی که درباره روزه کودکان وارد شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که علاوه بر سن ۹ سالگی، توان جسمی نیز از جمله شرایط امر کردن و مؤاخذه کودک به روزه می‌باشد. این مسئله ناظر به دختران و پسران، هر دو، می‌باشد. اما با توجه به اینکه سن تکلیف دختران تکمیل ۹ سالگی قمری است، از این رو، ضروری است که با رسیدن دختر به این سن، آموزش نماز و روزه نیز تکمیل گردد.

خلاصه اینکه براساس روایات بهترین زمان برای تربیت عبادی کودکان نسبت به نماز سن ۷ سالگی و نسبت به روزه سن ۹ سالگی است.

حکم فقهی روزه کودک در زمان بلوغ: مشهور فقها سن تکلیف دختر را اتمام سن ۹ سالگی (قمری) قرار داده‌اند؛ از این رو، برخی از احکام و تکالیف عبادی مثل نماز و روزه در حق وی واجب می‌شود. ولی گاهی برخی از

شب، ترتیب مسافرت او را به تهران دادند؛ یعنی به مادرم که بچه کوچک هم داشتند، فرمودند: «بچه‌ها را بردارید و مدتی را به تهران، منزل فلانی - یکی از بستگان - باشید» بعدها به من گفتند: «خواستم در نظر او، قبح روزه‌خواری از بین برود!» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸).

مرحله افزایش معرفت و تقویت گرایش

این مرحله مربوط به سال‌های ورود به دوره راهنمایی و آغاز دوره «نوجوانی» است که از ۱۲ تا ۱۶ سالگی را شامل می‌شود. البته این دوره «در دختران یکی دو سال زودتر از پسران آغاز می‌شود» (شکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸). در این مرحله، با پشت سر نهادن مراحل قبل و همچنین به دلیل ظهور تفکر انتزاعی، تفکر مذهبی نیز در نوجوان شکل می‌گیرد. با توجه به این ویژگی، زمینه بسیار مساعدی برای درک و دریافت دستورات دینی در او ایجاد و تقویت می‌شود. از این رو، باید کم‌کم بُعد شناختی و عاطفی کودک را نسبت به معنویت و تکالیف عبادی تقویت نماییم و زمینه کسب معرفت و گرایش دینی را در او فراهم آوریم؛ زیرا «در این سن، نوجوان در جهت فهم عادات دینی و تعالیم مذهبی، تلاش می‌کند» (مهرمحمدی، ۱۳۸۵). حتی نوجوان اعمال عبادی را براساس استدلال و منطق می‌پذیرد. علاوه بر استدلال و «برهان‌پذیری»، تجربه فردی نوجوان در مورد اعمال عبادی، به خوبی قابل مشاهده است و با درک و شعور درونی، به عبادت می‌پردازد. در این مرحله، کودک کم‌کم از فلسفه و چرایی مسائل و تکالیف شرعی نیز سؤال می‌کند و می‌خواهد علت و حکمت آنها را بداند. خواهی نصیرالدین طوسی می‌گوید: «چون [کودک] از مرتبه کودکی بگذرد، او را به فراگیری حکمت بخوانند تا آنچه

همراه با مشقت زیاد باشد، افطار برای آنها جایز است». همچنین ایشان می‌فرماید: «ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی‌شود، بلکه قضای روزه‌های ماه رمضان که از او فوت شده، بر وی واجب است» (خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۲). در این زمینه، از آیت‌الله مکارم شیرازی سؤال شده: «دختری به سن بلوغ رسیده است، ولی به واسطه ضعف جسمی توان روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان را ندارد و بعد از ماه رمضان هم تا سال بعد نمی‌تواند قضا کند، حکمش چیست؟ ایشان در پاسخ، می‌فرماید: «باید کفاره (یک مد طعام را بدهد؛ یعنی برای هر روز معادل ۷۵۰ گرم گندم و مانند آن به فقیر بدهد و قضای این روزه‌ها بر او واجب نیست» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۵۲). همچنین آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره روزه دختر ۹ ساله‌ای که توان روزه گرفتن ندارد، می‌فرماید: «در صورتی که روزه موجب حرج یا بیماری شود، گرفتن [روزه] جایز نیست. فعلاً به مقداری که می‌تواند از روزه بگیرد و بقیه را در طول سال به تدریج قضا نماید (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۲). اما در عین حال، نباید قبح روزه‌خواری در نزد کودک از بین برود. از این رو، باید برای چنین کودکانی تدابیر و محمل شرعی، مانند مسافرت، در نظر گرفت. در این رابطه، فرزند امام راحل علیه السلام نقل می‌کند:

وقتی خواهر کوچکم به سن تکلیف (۹ سالگی) رسید، امام فرمودند: امسال دیگر باید روزه بگیری! اتفاقاً، ماه رمضان آن سال خیلی گرم بود. نداشتن کمولر، کمبود آب و ضعف جسمانی خواهرم، باعث شد که روزه اول ماه مبارک را به سختی تحمل کند. این بود که شب، پس از افطار گفت: من فردا دیگر نمی‌توانم روزه بگیرم. آقا همان

و مستحب) پیشنهاد می‌شود. در نهایت، مسائل شرعی و تکلیفی مربوط به دوران بلوغ مانند نحوه انجام غسل و تیمم نیز آموزش داده می‌شود.

در این مرحله، مدرسه و به‌ویژه برنامه‌های درسی، نقش مهمی در تحقق اهداف تربیت عبادی بر عهده دارند.

مرحله نهاده‌سازی ارزش‌های معنوی

آخرین مرحله از مراحل تربیت عبادی که مربوط به دوره جوانی است، مرحله تحکیم ایمان و اعتقادات و در نهایت، رسیدن به مرحله عشق قلبی به معبود و تکالیف الهی است. این مرحله، از سن ۱۷ تا ۲۰ سالگی را دربر می‌گیرد (شکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۷).

با پشت سر گذاشتن صحیح مراحل قبل و اتمام مسائل آموزشی و عمل به آموخته‌های عبادی معنوی، کم‌کم تمام حرکات و سکنات جوان، روح معنوی و الهی پیدا می‌کند و رفتار او در جهت اهداف دینی و کسب رضایت خداوند قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر، وقتی در مراحل قبل شخصیت مرتبی کاملاً شکل دینی به خود گرفت، در این مرحله جوان از یک نیروی درونی معنوی استفاده می‌نماید و به دنبال عشق واقعی، یعنی عشق الهی و آسمانی می‌گردد. از این رو، در این دوره باید تلاش کرد عشق و ارتباط با خدا در فرزندان افزایش یابد تا از عبادت و انجام تکالیف عبادی لذت ببرند و به جایی برسند که انجام وظیفه دینی و تکالیف عبادی را در تمام لحظات زندگی بر تمام کارها مقدم نمایند. همان‌گونه که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد، و آن را در آغوش کشد، و از صمیم دل دوستش بدارد و با تمام وجودش بدان در آمیزد و برای نیکو انجام دادن آن، خود را فارغ و آماده سازد و او را باکی نباشد، که دنیایش به سختی گذرد یا به آسانی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۳).

را در آغاز به تقلید فرا گرفته، برهانی و مستدل سازد» (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۳). مثلاً، می‌خواهد بداند فلسفه عبادات چیست؟ فلسفه نماز خواندن چیست؟ چه اثری بر آن مترتب است؟ و چرا باید به این شکل نماز خواند؟ و یا فلسفه روزه و سایر اعمال عبادی چیست؟ اینها سؤالاتی هستند که باید در این دوره به آنها پاسخ داد، تا کودک با آگاهی و معرفت به انجام آنها گرایش پیدا کند و در وجود او نهاده گردد. البته ما نباید تنها به معرفت نظری مرتبی و یا انتقال اطلاعات دینی و معارف عبادی به وی قناعت کنیم و آن را نشانه دین‌داری بپنداریم، بلکه باید به گونه‌ای تربیت نماییم که فرد به حقیقت معارف دینی دست یابد و در عین حال، عامل به تکالیف و وظایف دینی و عبادی گردد.

بنابراین، اگر مراحل قبلی به خوبی سپری شود و با زمینه‌سازی، آموزش و تمرین، شناخت و معرفت کودک نسبت به اعمال دینی و عبادی تقویت شود، خود به خود نسبت به آموزه‌های دینی گرایش پیدا می‌کند و درصدد انجام آنها برخواید آمد. به همین علت، می‌توان این دوره را مرحله «معرفت‌دهی یا کسب معرفت دینی و عمل به آموخته‌های دینی و عبادی» نامید.

در این مرحله که مصادف با دوره بلوغ است، لازم است بعد از پایان یافتن آموزش مقدماتی نماز، روزه و وضو، به تدریج آموزش تکمیلی مربوط به نماز و روزه، مانند احکام و شرایط صحت، عوامل بطلان و کمال نماز و روزه و امثال این مسائل را که در رساله‌های عملیه آمده است شروع نمود. علاوه بر این، بیان اهمیت، فلسفه، فواید، آثار عبادات و جایگاه نمازگزار و روزه‌دار در نزد خداوند و همچنین انواع نماز، اعم از واجب (یومیه، قضا، آیات و نذر) و مستحب (جمعه، جماعت، غفیله، نافله‌ها و نماز زیارت)، و مواقع اعاده آنها، و انواع روزه (واجب

قابلیت‌ها، توانایی‌ها و نیازهای هر دوره سنی و انطباق و هماهنگی فعالیت‌های آموزشی با آنها، اولین و ضروری‌ترین گام در راستای تربیت صحیح و اجرای برنامه آموزشی و پرورشی به‌ویژه برنامه تربیت عبادی است. با بررسی روایات تربیتی، به این نتیجه می‌رسیم که دست‌کم شش مرحله برای تربیت عبادی قابل تصور است. در این فرایند، از طریق مشاهده و فضا سازی معنوی، می‌توان زمینه تقلیدپذیری کودکان را فراهم نمود. ایجاد عشق الهی و عرفان عملی به‌عنوان بالاترین هدف تربیت عبادی، از طریق تقویت معرفت و نهادینه‌سازی ارزش‌های عبادی معنوی در مرتبه، میسر می‌گردد.

با توجه به آنچه بیان شد، سه نتیجه اساسی قابل دستیابی است:

۱. تربیت عبادی دارای مراتب و درجاتی است و باید سعی کرد آموزش اعمال و تکالیف عبادی متناسب با رشد جسمی و سطح فکری مرتبه صورت گیرد. از این رو، باید تلاش نماییم در چند مرحله با صبر و حوصله، و در عین حال با جدیت، فرزندانمان را با احکام دینی و وظایف عبادی آشنا نموده و آنان را از مرحله تقلیدی و عادت بدون معرفت، به مرحله رفتار معرفتی و در نهایت، به مرحله عشق الهی و عرفان عملی رهنمون سازیم. هرگونه شتاب‌زدگی در این مسیر، دستیابی کودکان به مراحل بالای معنویت و عبودیت را ناممکن می‌سازد.

۲. از جمله نتایج دیگر این تحقیق این است که بهترین زمان برای آموزش رسمی وظایف و تکالیف عبادی کودکان، نسبت به نماز سن ۷ سالگی و نسبت به روزه سن ۹ سالگی (به شرط توان جسمی) است. بعد از آموزش مقدماتی وظایف و تکالیف عبادی، باید کم‌کم آموزش تکمیلی را شروع نمود.

۳. علاوه بر آموزش و تمرین، ضمن یادآوری اوقات

اگر چنین حالتی برای جوان به وجود آید، دیگر تمام تلاش و هم و غم او تقویت این ارتباط و بریدن از غیر خدا خواهد بود. امام سجاد علیه السلام در «مناجات المحبین» می‌فرماید: «الهی کیست که شیرینی محبت تو را چشید و جز تو را خواست؟ و کیست که با مقام قرب تو انس گرفت و از تو روی‌گردان شد؟» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۱، ص ۱۴۸). در حقیقت، در این دوره با تکمیل اطلاعات عبادی معنوی و انجام عملی، «فرد به یک نظام ارزشی (معنوی) مستحکم می‌رسد که درونی شده است» (مهرمحمدی، ۱۳۸۵) و به سادگی تحت تأثیر هوای نفس و ناهنجاری‌های محیط بیرونی قرار نمی‌گیرد. بر این اساس، می‌توان این دوره را مرحله ایجاد و تقویت «عشق الهی» و ظهور آن در رفتار نامید؛ چراکه با نفوذ ایمان در قلب جوان، کم‌کم آثار ایمان، که همان عمل صالح باشد، به خوبی نمایان می‌شود؛ چون ایمان واقعی در ظرف رفتار عملی و در قالب عمل صالح متجلی می‌گردد. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (یونس: ۹) و تازمانی که ایمان به مرحله رفتار نرسد، آثار عملی بر آن مترتب نیست. در این مرحله، با تقویت ایمان به مبدأ و معاد، جوان خدا را حاضر و ناظر اعمال و رفتار خویش می‌بیند و با چنین سرمایه معنوی، می‌کوشد با انجام وظایف دینی و تکالیف عبادی زمینه و وسیله تقرب خود را به خدا فراهم نماید. منتها در این دوره نیز جوان نیاز به هدایت و راهنمایی دارد که علاوه بر خانواده، معاونت مدرسه، مسجد و رسانه‌های ملی نیز بسیار تأثیر گذارند.

نتیجه‌گیری

آشنایی با ویژگی‌های کودکان از نظر تحول روانی، شناختی، جسمانی، عاطفی، مراحل رشد، علایق،

شکوہی، غلامحسین، ۱۳۸۵، **تعلیم و تربیت و مراحل آن**، چ بیست و یک، مشهد، به نشر.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۴۱۷ق، **جامع الأحکام**، چ چهارم، قم، حضرت معصومه علیها السلام.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، **التخصیص**، قم، جامعه مدرسین.

—، ۱۴۱۰ق، **من لا یحضره الفقیه**، چ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۶۵، **تهذیب الاحکام**، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

—، ۱۴۰۰ق، **النهایه**، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث.

فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۲۸ق، **جامع المسائل**، چ یازدهم، قم، امیر قلم.

فلسفی، محمدتقی، ۱۳۸۷، **گفتار فلسفی؛ کودک از نظر وراثت و تربیت**، چ دهم، تهران، معارف اسلامی.

قائمی، علی، ۱۳۷۰، **پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان**، تهران، امیر.

کریمی نیا، محمدعلی، ۱۳۸۶، **الگوی‌های تربیت اجتماعی**، چ سوم، قم، پیام مهدی (عج).

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، **کسافی**، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گلپایگانی، سیدمحمدرضا، ۱۴۱۲ق، **مجمع المسائل**، قم، دارالقرآن الکریم.

متقی هندی، حسام‌الدین، ۱۴۰۹ق، **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**، بیروت، مؤسسة الرسالة.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسة الوفاء. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۵، **حکمت نامه لقمان**، قم، دارالحدیث.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۷ق، **استفتائات جدید**، چ دوم، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.

مهرمحمدی، مجید، ۱۳۸۵، «کودکان در مورد خداوند و عبادات او چگونه می‌اندیشند؟»، پیوند، ش ۳۲۰، ص ۳-۵.

نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث.

نماز به کودکان، باید در حضر و سفر نیز مراقب بود که نماز کودکان ترک نشود و نسبت به روزه، با رفق و مدارا زمینه روزه‌داری را به تدریج در آنان فراهم آورد. اما در عین حال، در صورت سهل‌انگاری و احياناً ترک نماز و یا روزه، با رعایت موازین و حدود شرعی، آنان را مورد بازخواست قرار داد.

منابع

ابوداود، سلیمان بن اشعث، ۱۴۰۹ق، **سنن ابی داود**، بیروت، دارالجنان.

ابی فراس، ورام بن، ۱۳۷۶، **مجموعه ورام** (تنبیه الخواطر و نزهة النواظر)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

اشعث، محمدبن محمد، بی تا، **الجعفریات**، تهران، مکتبه النبوی الحدیثه.

اعرافی، علیرضا و همکاران، ۱۳۸۰، **آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

امینی، ابراهیم، ۱۳۸۵، **تربیت**، چ دوم، قم، بوستان کتاب.

بهجت، محمدتقی، ۱۴۲۸ق، **رساله توضیح المسائل**، چ نود و دوم، قم، شفق.

بهرامی، غلامرضا، ۱۳۸۵، **دعا و زندگی**، چ دوم، تهران، دلیل ما.

تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، **دعائم الإسلام**، چ دوم، مصر، دارالمعارف.

حرّ عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه**، چ پنجم، بیروت، دار احیاء التراث.

حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، **مختلف الشیعه**، قم، جامعه مدرسین.

خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۸، **رساله اجوبه الاستفتاءات**، چ یازدهم، تهران، بین‌المللی الهدی.

خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۶، **استفتائات**، قم، جامعه مدرسین.

داوودی، محمد، ۱۳۸۳، **سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام**، ج ۲ (تربیت دینی)، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۸، **دین‌گریزی چرا، دین‌گرایی چه سان؟**، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.